پس از 7 سال دو متهم به قتل دوباره محاکمه می‌شوند

6 خرداد 1403

دختر جوان که از 7 سال قبل متهم است با همدستی نامزدش پدر و خواهر ناتنی خود را به قتل رسانده، پس از محاکمه در دادگاه کیفری یک تهران تبرئه شدند اما قضات دیوان‌عالی کشور این حکم را نقض کردند تا آنها بار دیگر در شعبه هم‌عرض پای میز محاکمه بایستند.

28 مرداد سال 1396 گزارش قتل مردی میانسال و دختر کوچکش به پلیس اعلام شد.
در ادامه مأموران به محل جنایت که ساختمانی چهار طبقه در شرق تهران بود رفتند و پس از ورود به آپارتمان با جسد مرد 60 ساله و دخترش مواجه شدند.
شواهد اولیه نشان می‌داد که هر دو مقتول با ضربه جسم سخت به سرشان به قتل رسیده‌اند.
در بررسی‌های بعدی مشخص شد که ساختمان 4 طبقه متعلق به مقتول بوده که خودش با همسر دوم و دختر کوچکش در یک طبقه زندگی می‌کرده و سه طبقه دیگر ساختمان را نیز به دو دختر و پسرش از همسر اول خود داده بود که در آن زندگی می‌کردند.
از آنجا که اجساد پدر و دختر در طبقه اول ساختمان که متعلق به دختر بزرگش فریبا بود پیدا شده بود وی تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: روز حادثه بیمار بودم از نامزدم شهاب خواستم بیاید و مرا به بیمارستان ببرد اما وقتی آمد چون حالم بهتر شده بود از رفتن به دکتر منصرف شدم. بعد شهاب گفت حالا که تا اینجا آمده‌ام بهتر است پدرت را هم ببینم اما وقتی می‌خواست به واحد پدرم برود همسرش مهری مدعی شد خانه‌شان مرتب نیست و اجازه نداد شهاب به دیدن پدرم برود. دقایقی بعد هم او خداحافظی کرد و رفت.
بعد از رفتن شهاب پدرم به خانه من آمد و گفت قرار است دوستانش به دیدار او بیایند و چون خانه خودشان به هم ریخته بود از من خواست میهمانانش را به خانه من بیاورد من هم قبول کردم و خودم هم به خانه دوستم رفتم. اما ساعتی بعد وقتی برگشتم با اجساد خونین پدر و خواهر ناتنی‌ام روبه‌رو شدم.
با این‌که دختر مقتول مدعی بود دخالتی در ماجرا نداشته اما مأموران با تجمیع اطلاعات و تحقیقات به فریبا و شهاب مشکوک شدند و هر دو را بازداشت کردند.
شهاب در بازجویی‌ها منکر دخالت در جنایت شد و گفت: سه سال قبل با فریبا آشنا شدم و به خواستگاری‌اش رفتم و با هم نامزد بودیم. آن روز وقتی از خانه فریبا می‌رفتم دو مرد را بیرون خانه دیدم که منتظر پدر فریبا بودند. فکر می‌کنم آنها مرتکب قتل پدر و خواهر نامزدم شده‌اند.
در بررسی‌های بعدی مشخص شد که شهاب آن روز تلفن همراهش را با خود نبرده بود.
از سوی دیگر شاگرد نانوایی که در نزدیکی محل خانه مورد نظر بود به مأموران گفت: روز حادثه من، فریبا و نامزدش را دیدم که باهم از خانه خارج شدند و رفتند. همچنین در ادامه مأموران آثار خون نیز روی لباس‌های فریبا پیدا کردند.
به این ترتیب فریبا و شهاب به اتهام مشارکت در قتل بازداشت شدند. اما هیچ‌کدام اتهام‌شان را نپذیرفتند

و از آنجایی که مدرکی علیه آنها به دست نیامده بود، با قرار وثیقه آزاد شدند.
سه سال بعد و در حالی که تحقیقات برای پیدا شدن عامل یا عاملان قتل ادامه داشت مأموران پی بردند که شهاب در سال 1384 نیز به اتهام قتل دوستش بازداشت و پس از 20 روز با قرار وثیقه آزاد شده و پرونده آن قتل نیز همچنان مفتوح است. همینطور معلوم شد که فریبا آن‌طور که ادعا کرده بود روز حادثه به خانه دوستش نرفته و دوست فریبا این ادعا را رد کرده بود.
این موضوع سبب شد تا شهاب بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و در توضیح ماجرا گفت: در آن پرونده بی‌دلیل بازداشت شدم و مأموران هم وقتی متوجه بی‌گناهی‌ام شدند آزادم کردند.
اما تناقض گویی‌های دو متهم سبب شد تا با گذشت حدود پنج سال از جنایت با استناد به دلایل مشخص شده برای فریبا و شهاب به اتهام مشارکت در قتل کیفرخواست صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه مهری به عنوان تنها ولی دم مقتول خردسال برای عاملان قتل درخواست قصاص کرد.سپس دو متهم یک به یک به جایگاه رفتند و با تکرار اظهارات شان در مراحل مختلف بازجویی اتهامات شان را نپذیرفتند.
با پایان جلسه رسیدگی، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و از آنجایی که مدرکی علیه آنها به دست نیامده بود و با توجه به رد اتهام از سوی هر دو متهم، آنها را تبرئه کردند.
با صدور رأی و اعتراض اولیای دم، پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان پس از بررسی پرونده حکم تبرئه را شکستند و خواهان تحقیقات دوباره در پرونده شدند.
بدین ترتیب مقرر شد تا دو متهم بعد از تحقیقات تکمیلی و با گذشت 7 سال از این ماجرا، بار دیگر در دادگاه کیفری یک استان تهران شعبه هم‌عرض محاکمه شوند.

***کامران علمدهی**